

## مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیة (جبل المتین)

\*\*\* (عنوان مراسلات) \*\*\*  
طهران خیابان لاله زار  
ناب مدیر میرزا سید حسن کاشانی!

غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود!

## یومیة

## جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

## قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۳۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

\*\*\* (قیمت يك نسخه) \*\*\*  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر  
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه  
بامضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

بکشنبه ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۹ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۹ مه ۱۹۰۷ میلادی

## ( معارف بیرونی مانده )

این مسئله از بدیهیات اولیه و مسلمات حسیه است و ابدا محتاج باقامه دلیل و برهان و تحقیق و تبیان نیست که ترقی هر ملتی موقوف بر ترقی معارف آن ملت است چه هیچ قومی از حسیض ادبار و مذلت باوج اقبال و عزت صعود نکرده مگر بوفور علم و دانش و هیچ طائفه از ظلمات جهل و غوایت نجات نیافتند و بشاهراه مدینیت و انسانیت قدم نهادند مگر بروشنائی چراغ بینش از تعریف علم هر چه بگوئیم و هر که بگوید توضیح و اوضحات و تعریف معلومات بر هر بيمدرکی این مسئله مسلم است که تمام ترقیات امروزه دول متمدنه از اینراه است و هر بی حسی از وضوح این مدعا آگاه شرف علم نه امروز است بلکه از عهد ادم تا الی یومنا هذا و تا قیام قائم

هیچ قومی بر مسند عز و اقبال متمکن نشدند و نخواهند شد مگر بوساطت علم و دانشی و هر گز گروهی در ورطه ذات و هلاکت نیفتاده و نخواهند افتاد مگر از کثرت جهل و نادانی ممالک متمدنه چون نجات ملت و ترقی مملکت را در داشتن علم دیدند بجان و مال در طلبش کوشیدند در ترویج معارف چه مایه بذل زخارف کردند و در تاسیس مدارس چقدر مجالس بر پا کردند همراهی و رسیدگی بامور معارف را اولین مبرات بل نخستین واجبات خود شمردند خدمت بآباء و نظرا و وظیفه انسانیت و طریقه آدمیت گفتند حتی آنکه از کثرت اهمیت این مطلب در وصول به مقصد مسئله تعلیم اجباری پیش کشیدند و امر تعلیم را شبانروزی مقرر کردند تا بغیروزی رسیدند و مدارس را کارخانه ادم سازی نام نهادند و او از

دانشانرا بهر سازی زدند و ازدولت سیر علم سروری یافتند و برتری جستند پس بر ما که امروزه حرف از ترقی ملت و آبادی مملکت میزنیم بمصدق ره چنان رو که ره روان رفتند باید از در کار داخل شویم یعنی اهمیت علم را در تحصیل مقصود بدانیم و در امر تعلیم و تعلم آنچه لازمه سعی است بنمائیم اصلاح امور مدارس و مکاتب را بر ذمت خود فرض شماریم الحمد لله وزیرای مسئول خواستیم و یافتیم ولی معنی و نتیجه مسئولیت را نفهمیدیم گویا از این لفظ اراده معنائی نشده یا از اول این لفظ بی معنی وضع شده از بی تربیتی و بی نظمی کدام يك از ادارات بگوئیم یا بکه بگوئیم یا کیست آنکه بشنود از همه بگذریم برویم سر مانحن فیه که ابدأ اینگونه منتظر نبودیم و تصور نمینمودیم پس از آنکه وزارت جلیله معارف بمسئله کار دانی جناب . . . . . مخبر السلطنه شد گفتیم حق بحق دار رسید و الحق این امر والا لباسی است که بقدر و بالای ایشان میبازرد و بس و با بودن ان وجود مبارک کسی دیگر شایستگی این شغل خطیر را ندارد و یقین میکردیم که از تمام ادارات زودتر رونق گرفته و پیش خواهد افتاد بلکه آدم محمد زمان خان هم شده بودیم و از خاطر جمعی باریاب بجزرت قسم میخوریم که حالا دیگر این طفل یکشبه ره صدساله می رود و در عالم خیال سرعت سیر ترقی مدارس را از برق لامع تندتر مشاهده میکردیم غافل از اینکه بسیار فرق باقد از اندیشه تا وصول مدارس ابدا با سابق فرقی نکرده و بهتر نشده بلکه میشود گفت که بدتر هم شده شاید خاطر مبارک ایشان مستحضر از یاره چیزها نباشد لهذا عیبش را میگوئیم :



و اصلاحش را می خواهیم اگر بیخود گفته ایم بنمایند و اگر بجای میگوئیم بها آرند مدارس سرپرستی و رسیدگی کامل شخصی میخواهد پروگرام صحیح لازم دارد باید بمدارس رفت و در کار معلم و متعلم و ناظم و خادم دقت کرد و صحتش را دانست و عوایب کار را رفع کرد مدارس را باید مفتش گماشت و ناظر و اداست و هرکار را باهش باید سپرد و از وضع آنها در امر درس و تدریس جو یا باید شد رسیدگی باین چند مدرسه که دیگر نوشتن قانون نیست که هشت ماه بدفع الوقت بگذرد و شش ماه هم معطل امضا شود رسیدگی بمدارس طبع موزون و ذوق سالم لازم ندارد افکار دقیقه و نکات رشیده نمیخواهد بلیتیک و سیاسی نیست تعلیم اجباری نداریم جهنم . مدارس شبانروزی نداریم درك . امتیاز فضایی نیست تون . اعانه حساسی ملی نیست طیس . این چند مدرسه که هست چرا باید بی نظم و ترتیب باشد . وزارت عدلیه با عدم اسباب کار و کثرت موانع بشمار در کمال نظم و ترتیب دائر و مشغول کار است

چه میشود اگر دیگران هم اقتفا کرده هر يك در کار خود رسیدگی کنند و امور راجحه بخود را منظم نمایند معارف پروران دورهم که می نشینند شالوده دارالمعلمین را می ریزند که باید معلمین صحیحه را بکار واداشت و معلم صحیح از برای تصحیح و ترتیب درس و تهذیب اخلاق متعلم عمده ترین چیزهاست تا معلم صحیح نباشد شاگرد هرگز خوب نخواهد شد و از هیچ جهت ترقی نخواهد کرد بلی این مسئله پرواضح است که دارالمعلمین بسیار اهمیت دارد ولی دارالمؤسین اوقوت دارد حدود و تکالیف مؤسین را در مدرسه داری و خدمت بمعارف و رسیدگی بکار شاگرد و چگونگی معلم باید معین کرد باید گفت مدارس تمام یکی است و دريك حکم است رؤسا را نمیرسد که از برای غرض شخصی و جلب منفعت از خود تعریف و از دیگری تکذیب کنند و بمدارس یکدیگر طعنه زنند

مدیریکه مثلا دوره از حساب ارایده یا مختصری ریاضی خوانده حق ندارد به کار خود باینکه او هم در رسته دیگری کاملتر از اوست نسبت بیعلمی دهد و خود را (نیوتان) و (کیلر) خهاند و این سینای عصر داند با اینکه شاگردان اطاق پنجم جناب مدیر که بمدارس دیگر میروند لیاقت بودن در اطاق دوم آن مدرسه را ندارند پس فایده دانش مدیر برای شاگرد چه شد آخر علم مدیر بچه درد شاگرد میخورد مگر آنکه هم معلم بکشد و هم مدیر از مدیران هم اینقدر باید خواست که

معلم صحیح پیدا کرده بکار وادارد و با بودن معلم خوب این مهم را بهر بی ربطی رجوع نکنند کسی از مدیر علم اولین و آخرین را نخواست بلکه معلم را لازم است که هر رشته از درس را که مهده گرفته خوب بداند و صحیح بفهماند و از عهده تعلیمش برآید از مدیر همین بس که تمام توجهش مصروف جلب منفعت خود نباشد و این رشته را کسب خود نداند اندکی طمع را کنار گذاشته کمی چشم عیب جوئیرا بیوشد قدری زبان بدگوئیرا به نشد . بتصحیح امور مدرسه خود پردازد و طوری رفتار کند در امر درس و بحث شاگردان که لا اقل اسکر شاگرد از مدرسه بیرون رفت و صاحب اولاد شد رغبت کند پسرش را بمدرسه بگذارد اینکاش زبان آزاد بود یا امریاد بجائی میرسید تا این بنده

غیر این منطق لی بکشادمی

و ندرین موضوع شرحی دادمی که اگر باین اساس شریف که اس اساس ترقی ملک و ملت است رسیدگی نشود و معایب پیدا شده دفع نگردد باید بکلی چشم از ترقی مملکت پو شد چه ملت بی معلم جسد بی روحند و مرده هرگز قادر بر حرکت نخواهد بود امضا محفوظ

### حبل المتین

معارف را چندین شعبه است و صاحب مقاله در یکی از ان شعبات که مدارس و مکاتب است صحبت نموده و از خرابیها و نواقص آن در دل شکایت آغاز نهاده و کمیت دانش را در این موضوع جولان داده و الحق نیز در اکثر مطالب را صحیح بیموده . ما خود مدتی مدید در عمل مکاتب داخل بودیم از اوضاع و عیوب ان اطلاع کامل داریم امروز نمیتوان گفت چرخ معارف معیوب و ناقص است بلکه ابدأ چرخ ولو از کم یکی مفقود است کتب درسی نداریم القباي ما صحیح نیست وضع تعلیم مطابق دستور و پروگرام نیست . تکلیف هیچک از معلم و متعلم و ناظم و مدیر و غیرهم معین نشده — چند تن از مفرضین طماع نیز در حوزه معارف داخل هستند که باودن انها اصلاح مکاتب امکان ندارد زیرا که تمام حواس را متوجه منافع و خیرالات خود میسازند نظری بطرف عموم و توجهی نسبت بملت ندارند بعبارت واضح مدارس را آلت اجراء مقاصد و منویات خود کرده مردم بشکلی و هر ساعت بعنوانی موجبات خرابی را فراهم میکنند — اگر نمیشناسید و طالب شناختن هستید خوب است و واضحت تشریح کنم اگر چه باشخص خاصی طرف نیستیم و آدم مخصوصی را موضوع



چند سال مدرسه رفتن با اول ورود تفاوتی پیدا نمی کردند  
روز نامه جاندارد که باز هم در دسر بدهم وقت  
بسیار است شب دراز و قلندر بیکار تدریجا صحبت میکنیم  
فلا معذرت میخواهیم

(مجلی از وقایع دوران)

(و مجاس مقدس شوری ملی)

عمل نان چند روز است چنان باعث زحمت و صدمه  
مت شده که بشرح راست نیاید و ذر تحریر و تقریر گنجد—  
دیگر اینکار از کجا ناشی شده و دست چه نردم اشخاص داخل  
در این کار است؟ عقلاء ملتفتند و محتاج بتصریح نیست  
همان اشخاص که سالهاست این روش پستی را بیستهاد  
خاطر کرده اند— غافل از اینکه مردمان امروزه ربطنی  
بادهای پارس و پیرار ندارند از زمین اسمان رفته  
از خواب بیداری رسیده اند دست و پا را گم نمیکنند دغدغه  
و تشویش ندارند با کمال اطمینان مجلس میکنند و بقوت  
عقل دماغ تدبیر مستبدین را بر خاک میمالند هر محله صد  
نفر کپایی کرده آدمی دو تومان میدهند و بان دو بیست  
تومان یک دکان خبازی مخصوصی دایر میسازند (چنانکه  
در اغلب محلات طهران این کار را معمول داشته اند)  
و مستبدین حالی میکنند که از خیالات باطله استبدادی  
ثمری حاصل نمیشود.

وزیر مخصوص نیز از حکومت طهران استمفا میدهد  
و بطرف ضیاء اباد حرکت میکند علتش درست بر ما معلوم  
نیست لکن ظاهراً از هم قطاران خود رنجیده باشد که ما  
اگر نیکیم یا بد، با هم شریکیم هم خیال هم عنان جهت  
ندارد شما خود را بیکو کار جاوه دهید و همه تقصیر را  
رگردن من نمید و در نزد مردم تنها مرا حامی استبداد  
جلوه دهید. لکن قبول نشدو ثانیاً حکومت منصوب گردید  
اغتشاش شیراز نیز رفع نگردیده و باوجود هزار تعریف  
از حسن کفایت نتیجه برعکس بخشید اعضاء انجمن فارس  
در جلو عمارت بهارستان خیمه و خرگاه برپا کرده  
پناهنده گردیده اند نمیدانم چرا ما را حیوان بشمارد  
فرض کرده اند گول میزنند آیا گمان میکنید ما تا امروز  
این کلمات را نشنیده ایم؟ و حال آنکه پنجاه سال  
بود که در جرائد میخوانید (الحمد لله از حسن کفایت  
و درایت . . .) آیا آصف الد و له مجازات عد  
ایا اسراء اسلام استرا داد کردید؟ آیا عمل نان  
اصلاح یافت؟ آیا عمل نظمیه ترتیب صحیح گرفت؟  
آیا حکام از تعدی کنار کردند؟ آیا جنک و نزاع بین این  
و آن — زخم زدن و فحش دادن رفع شد؟ آیا شیراز  
منظم شد؟ آیا گداهای شهر تمام گردید؟ نه والله!

بحث نکرده ایم لکن باصفا کار داریم فعل را می بینیم  
با فاعل حتی نداریم

امروز در طهران کمتر از سی هزار طفل قابل تعلیم  
نیست و بجهت این عده بنا بر درجه متوسط دولت مدرسه  
ابتدائی و مقدماتی و بیست مدرسه علمی لازم داریم و هر  
چند تنزل کنیم و رطب و یابس بهمبافته موانع بیش آوریم  
از صد مدرسه ابتدائی کمتر نمیتوانیم بگوئیم مدارس  
علمی وقتی نیز ده یا نترده ضروری الزوم است پس هر کس  
دلش بر حال فلاکت معارف میوزد و روق این بازار  
کساد را طالب است باید دراز دیاد آن سعی کند و کثرت  
مکانها را وجه همت سازد— لکن مسافانه جمعی هستند  
که صرفه حال خود را در انقلاب این امر میدانند و در تقلیل  
آن میکوشند چنانکه در شش هفت سال قبل نشنند و با سنگ  
جفا این شیعه را شکستند و جداً در صد کاستن و کم کردن  
برآمدند و دو مدرسه را یکی کرده چشم بندی را در درازی  
اسم نمودند مثلاً مدرسه افتتاحیه در محله سنگج بود و از  
شاگردان ماهیانه میگرفت شرفی در محله عربها و مجانی  
یکدفعه هردو محو شد و یک مدرسه بنام هردو ظاهر گردید  
بخیال آنکه کسی ملتفت نیست و بهمین اسم قانع خواهند شد.  
این کار را کی کرد و بدستور العمل کدام آدم بود  
و مقصد و مقصود چه و نتیجه را چه منظور کرده بودند؟  
جواب لازم ندارد خودتان از من بهتر میدانید طالب  
و مطاوبرا میشناسید. از من چرا میخواهید اقرار بگیرید  
و همه جا باسم من شهرت دهید.

بعد از اینکه این گوسفند بیچاره یعنی عده از مدارس  
ذبح شدند دیگر چه شد؟ هیچ حکم کردند کسی مدرسه  
جدیدی باز نکند و گرنه قانوناً مقصر بوده مجازات سخت  
داده خواهد شد. چرا اینکار را کردند؟ جهت نمیخواهد  
بدیسی است اگر توالد و تناسل قطع شود اینها که  
زنده اند تدریجا میمیرند و جنس بشر تمام میشود وقتی  
مدرسه تازه باز نشود قدیمی ها کم کم از میان میروند  
و بساط معارف برچیده میشود. حالا چه دشمنی بمعارف  
داشتند که نسل را روی زمین نمیخواستند خداینداند  
شاید بعضی هم در گوشه و کنار بدانند اما من چون  
هوش درستی ندارم سر از این کارها در نمیآورم و سرگردان  
میسانم

دیگر چه کردند؟ باسم بی مسمی اکتفاء کردند  
و بمرغ مسمن قناعت فرمودند و دستور وزارت جنک  
را سرمشق عمل معارف کردند. این کلمه آخری را  
تفهمیدم و اشحتر بگوئید ~~ما~~ آخر سر با سی سال  
بیدان مشق هر روز حاضر میشود و مشق میکند و بعد  
از سی سال. با روز اول فرقی ندارد اطفال هم بعد از



نه بالله! پس دیگر بس است اقتدر وقت عزیز خود را صرف ( از حسن نیت و کفایت . . . ) نفرمائید مردم چشم دارند بلکه اغلب شعور هم دارند زیر کان از یسار و میمند و اعمال هر کس را در کمین . کسی گمان نکند خلق بدو اطمینان کافی دارند و کردارش را تفتیش نمیکنند خیر حالت خلق امروزه مثل سبب است که ابدأ فرار ندارد و مردم بالا و پایین میساید باندک حرارت و برودت درجه مختلف پیدا میکند و صعود و نزول مینماید

بهر حال تمویق اتمام قانون اساسی موجب هیجان صفحه آذربایجان گردیده و اینک چند روز است که تبریز بکلی تعطیل است تلگرافی از شیراز نیز مشتمل بر مشارک با اهالی غبور آذربایجان و مطالبه قانون اساسی رسید و اینک چند روز است که وکلاء عظام و حجج اسلام شب و روز متصل در کار هستند . زنهائیز در روز چهارشنبه از دحام غریبی کرده بیهارستان آمده مطالبه قانون اساسی نمودند و در ازاء این حرکت مردانه جواب (محرک) دارید ) شنیدند .

سید الحکماء هم روز سه شنبه لایحه در مظالم پالکونیک بمجلس آورده اذن قرائت کردن بایشان ندادند . از وزارت عدلیه پنجشنبه شکایت عد کوش دادند و باطاق دفتر رجوع نکردند

جناب رئیس روز پنجشنبه سیم ربیع الثانی از دحام ملت در عمارت پانستان شکایت نموده حرکت خلق را مستند بحریک و اغواء چند نفر ممرض نسبت دادند و رفع غائله را عواقبته بالاخره اریاست استعفاء دادند . بعضی استعفاء را پذیرفتند و آقامیرزا محمود خونساری تصویب نکرده گفتند اگر دقیقه از مجلس صرف نظر کنند ارکان مجلس بهم میخورند دیگران انکار صرف نمودند که اگر روزی دودفعه رئیس تغییر یابد خزه خلل بمجلس وارد نمیشود . گوینده دانا از مجلسیان گفت در مسئله استعفاء نباید تصدیق بلا تصور کرد علت را باید جويا شد و گرنه منجر باستبداد خواهد گردید تمام مستبدین اگر قوه خود را جمع کنند باندازه حالت حالیه مضرت تولید نخواهند کرد دوام مجلس واستحکامش بقوت و پشت گرمی ملت است چهگونه میتوان آنها را منع کرد

### حبل المتین

استحکام اساس مشروطیت بر اساس و امنیت جانی و مالی است احدی نمیتواند بدیگری بدون دلیل و برهان نسبتی بدهد و بمحض توهم نباید کسی را اخراج یا طرد کرد — کار راه داره اسکر یک نفر خواه رئیس

یا مرتوس زید را متهم میکند که باغراض باطله مردم را اغواء مینماید فوراً نباید زید را طرد و تبسید کرد و هر کس چنین خیالی بکند مستبد است و تجدید اوضاع سابق را طالب — قانون اینکار است که او را جلب بحضور محکمه عدالت کنند و در محضر عامه جلسه عینی نموده مدعی و مدعی علیه سؤال و جواب کنند هر کدام تقصیر دیگری را ثابت نمود اندیکر مجازات شود — البته باید در دوره مشروطیت این بدعت موقوف و هیچ مجازاتی بدون محاکمه واقع نشود .

### ترجمه تلگرافات خارجه

۲۷ ربیع الاول

عده زیادی از فقهای مغارستان یونان مهاجرت میکنند و تاکنون عده شان به پاترده هزار نفر رسیده دولت یونان از این بابت متوحش است

امسال در امریکا حاصل کدوم بقدر صدوسی و پنج هزار خروار از سابق کمتر بدست آمده باین واسطه قدری بازار کدوم رواج شده و نرخ آن صد سه بالارفته با نرمن درمانچستر چنین گفته هر چند دولت انکبیس از لزوم کناره جوئی العمان از مذاکرات تخفیف سلاح که در البجمن صلح لاهی مطرح شده تاسف دارد ولی راستی نطق پرنس دو بولر . توضیحات ویرا مینماید و مطلبی را که میگویند دولت العمان را میخواهد منفرد و تنها کند تکذیب مینماید

پرنس فوشیمی در عمارت مارلبروک با پرنس دوکال ولیعهد انکبیس نهار صرف نمود ملکه اسپانیا را خداوند یک پسر داده است

### اعلان از اداره

چون جمعی از مشترکین روسیه شکایت از گرانی روز نامه نموده و خواهش تخفیف کرده بودند لهذا قیمت را در تمام بلاد روسیه ده منات قرار دادیم تا خاطر محترم شرکاء از ما مکدر نباشد .

### اعلان

محض خدمت بعالم انسانیت و معارف که از دوازده سال بل متجاوز در اتزلی مشغول هستم اعلام مینماید اداره نسخه فروشی جراید را در اتزلی بتازه گئی معمول نمودم هر یک از جراید دارالخلاصه که قیمت هر نسخه آن علاوه از سه شاهی نباشد اگر بتوانند بنده برای فروش برسد قبول و بقانون وکالت رفتار خواهد شد و کپی جراید در اتزلی میرزا ابوذر حسن الحسین الکاشاری